

تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان پیش دبستانی

کامران گنجی¹

بهشته نیوشا²

فاطمه هدایتی³

تاریخ دریافت: 91/09/10 تاریخ پذیرش: 91/09/25

چکیده

زمینه: یکی از ویژگی‌های اساسی و سازنده انسان، خلاقیت است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد. پژوهشگران معتقدند که دوران کودکی سرآغاز شکل‌گیری روند تفکر خلاق است. تاکنون اثر متغیرهای بسیاری بر خلاقیت مورد بررسی قرار گرفته است، اما تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان نادیده گرفته شده است.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان پیش دبستانی اجرا گردید.

روش: روش پژوهش شبه آزمایشی در قالب طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. نمونه پژوهش 60 نفر کودک پیش دبستانی بودند که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیدند و هر گروه از 30 نفر (15 دختر و 15 پسر) کودک پیش دبستانی تشکیل شده بودند. ابتدا از کودکان هر دو گروه آزمایش و کنترل، پیش‌آزمون تفکر خلاق تورنس فرم الف و ب تصویری به عمل آمد. پس از

1. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملایر، گروه روان‌شناسی، ملایر، ایران ganji@iau-malayer.ac.ir

2. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه روان‌شناسی، ساوه، ایران Bniusha@iau-saveh.ac.ir

3. کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه hedayatfatemeh@yahoo.com

اجرای پیش آزمون، برنامه آموزش خلاقیت برای مادران گروه آزمایش به مدت 24 ساعت (یک روز در هفته، هر جلسه چهار ساعت) اجرا شد. سپس کودکان به مدت یک ماه تمرین‌ها و بازی‌های در فضای آزاد را انجام دادند و سرانجام بعد از گذشت دو ماه پس آزمون اجرا گردید. تحلیل داده‌ها با آزمون تحلیل واریانس چند متغیری انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های اصالت، سیالی، بسط و خلاقیت کل تفاوت معناداری وجود دارد. اما در مؤلفه انعطاف‌پذیری تفاوت معناداری مشاهده نشد. همچنین بین کودکان پیش دبستانی دختر و پسر در مؤلفه‌های گوناگون خلاقیت تفاوت معناداری وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی تأثیر دارد.

کلید واژه (گان): آموزش خلاقیت، کودکان پیش دبستانی، مادران.

مقدمه

"فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا (2007؛ ترجمه گروه مترجمان، 1391) تفکر خلاق را پردازش‌های ذهنی که به اختراع، راه حل یا ترکیبی نو در یک حوزه منجر می‌شود، تعریف کرده است. راه حل خلاق، از اشیاء یا اندیشه‌های از قبل موجود استفاده می‌کند، ولی بین این عناصر رابطه‌ای جدید ایجاد می‌کند. یکی از ویژگی‌های اساسی و سازنده انسان، خلاقیت است که در رشد و تکامل فرد و تمدن بشری نقش مؤثری دارد و زیربنای اختراعات و دستاوردهای علمی و هنری است" (شهرآرای، سیدان و فرزاد، 1381). "از آنجا که یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انسان در میان تمامی موجودات زمین برخورداری از نیروی تفکر و مسئولیت ناشی از آن است، بررسی جنبه‌های مختلف فکر، شیوه‌های فعال و خلاق کردن

تفکر، تقویت قدرت نقد، درک دقیق و واقع بینانه از موضوعات مهمی است که انسان‌ها برای کشف حقیقت و پیروی از آن باید بیاموزند و به کار گیرند" (شریعتمداری، 1382).

"افراد خلاق ویژگی‌های خاصی دارند که به شناسایی آنان کمک می‌کند؛ برخی از ویژگی‌های شخصیت خلاق در عملکرد، بدین شرح است: تلاش برای غلبه بر موانع؛ تحمل ابهام؛ مسئولیت پذیری؛ خودپنداره مثبت؛ به تأخیر انداختن قضاوت؛ تمرکز برهدف به جای پاداش؛ دیدن مشکل در روش‌های جدید؛ فرار از مرزهای تفکر متعارف" (پاین یونگ¹، 2009).

گیلفورد² (به نقل از گنجی، شریفی و میرهاشمی، 1383) خلاقیت را ویژگی‌هایی مانند ابتکار (جواب‌های بدیع و نو)، سیالی (مقدار ایده‌ها)، انعطاف‌پذیری (تنوع جواب‌های فرد) تعریف می‌کند. تورنس³ (1992) در پژوهش‌های خود مؤلفه بسط را به این سه مؤلفه افزوده است. بسط به معنی دقت زیاد در ارائه ایده، پیاده‌سازی، ارزش دادن به آن، ارتباط آن با ایده‌های دیگر برای عرضه یک ایده جدید و قبولاندن آن است. همچنین شامل تعداد اجزایی است که فرد برای یک راه حل خاص ارائه می‌کند. نتایج پژوهش در زمینه خلاقیت نشان داده که خلاقیت، کم و بیش در همه افراد وجود دارد و می‌توان آن را با آموزش گسترش داد و شکوفا کرد.

"اگر داشتن خلاقیت برای ادامه زندگی ضروری است، روش آن نیز آموختنی است. پس بهتر است زمینه آن فراهم گردد" (گلی، زمانی و نصیری، 1390). یکی از پرسش‌های اساسی در باره خلاقیت این است که آیا امکان پرورش آن وجود دارد؟ تورنس (به نقل از حسینی، 1388) معتقد است که خلاقیت هر چند بعدی فردی است ولی از نظر ماهیت قابل آموزش است. گیلفورد (به نقل از قاسمی و اقلیدسی، 1384) بر این باور است که فعالیت خلاق همانند اغلب رفتارهای انسان احتمالاً نتیجه چند استعداد اکتسابی است. بدون شک برای این استعدادها

1. Payne Young
2. Gilford
3. Torance

محدودیت‌های ارثی وجود دارد. ولی هرکس می‌تواند از طریق آموزش و تربیت استعدادهای خود را افزایش دهد. دهبونو¹ (1986) نیز اظهار می‌دارد که افراد برای اینکه بتوانند خلاق باشند باید روش‌های صحیح تفکر را به آنها آموخت و در این صورت همه افراد این قابلیت را به دست خواهند آورد.

"برای پرورش مهارت‌های خلاقیت لازم و ضروری است که در زمان مناسب به افراد آموزش داده شود و چه زمانی مناسب‌تر از دوران کودکی که ذهن در حال شکل گرفتن است و سنگ بنای اولیه تفکر در آن گذاشته می‌شود" (زمانی، گلی و نصیری، 1385). ویلیام جیمز² (به نقل از عامری، 1380) دوران کودکی را به عنوان سرآغاز شکل‌گیری روند تفکر خلاق می‌داند. گاردنر³ (به نقل از امیری و اسعدی، 1389) معتقد است خلاقیت از سنین پایین‌تر آغاز می‌شود. او کودکان پیش‌دبستانی را دارای خلاقیت هنری ابزارگرایانه می‌داند. وی مطرح می‌کند که کودکان پیش‌دبستانی دارای توانایی‌های خلاقانه بسیار زیادی هستند و اما با ورود به مدرسه چون وارد مرحله سوادآموزی می‌شوند و برای هماهنگی با دیگران اطاعت را می‌آموزند، خلاقیت هنریشان کاهش می‌یابد.

تورنس (به نقل از امیری و اسعدی، 1389) اظهار می‌کند کودکان خلاق به دنیا می‌آیند اما خلاقیت بسیاری از آنان در حدود ده سالگی افت می‌کند که علت آن را می‌توان در محیط‌های آموزشی رسمی و غیر رسمی، بی‌توجهی به آموزش و پرورش پویا و خلاق، به ویژه در سنین پیش‌دبستانی و دبستانی به عنوان عامل اساسی مطرح نمود. سینگر⁴ (2009) می‌گوید نوآوری و آفرینندگی، کودکان را نسبت به خلاقیت دیگران حساس می‌کند و زمینه لازم برای رشد خلاقیت آنان را فراهم می‌آورد همچنین وی اظهار می‌دارد، کودکانی که دارای مهارت‌های بازی‌های وانمودسازی (خلاق) هستند، اعتماد به نفس (خودباوری) بیشتری دارند و وقتی

1. Debono
2. William james
3. Gardner
4. Singer

اخلاقیت خود را در بازی دنبال می‌کنند با ایجاد تنوع در آن، دیگر نیاز به صرف وقت زیاد برای آنان نیست.

"مزنبرنیک"¹ (به نقل از عامری، 1380) معتقد است اخلاقیت در میان برنامه تربیت بدنی (بازی‌ها) افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه اخلاقیت را می‌توان آموزش داد این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی می‌توانند این مهم را به انجام رسانند؟ اثر متغیرهای محیط خانواده مانند پایگاه اقتصادی - اجتماعی، جو عاطفی خانواده، شیوه نگرش‌های فرزندپروری و غیره بر اخلاقیت مورد توجه محققان بوده است. پدران و مادران می‌توانند استقلال، خود باوری، عزت نفس و مسئولیت را در کودکان پرورش دهند و با ایجاد جوی خلاق در خانواده، محیط خانه را به محیطی امن برای ابراز ایده‌های نو فرزندان خود بسازند" (زمانی و همکاران، 1385).

در زمینه آموزش اخلاقیت، تحقیقات بسیاری در ایران و سایر کشورها انجام گرفته، از جمله حسینی (1385) که الگوی رشد اخلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس خلاق در معلمان ابتدایی را مورد بررسی قرار داد. نتایج، بیانگر تأثیر مثبت برنامه آموزشی بود. یکی از روش‌های موفقیت این الگو، توجه به زمینه‌های عاطفی، شناختی، اجتماعی و فیزیکی در کلاس، در کنار ابعاد فکری موجب شد تدریس خلاق انجام گیرد. چون دانش‌آموزان با انگیزه بسیار بالایی در کلاس و فعالیت‌های کلاس شرکت می‌کردند. پژوهش حسینی (1386) نشان داد که آموزش اخلاقیت به معلمان، اخلاقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد. از نظر وی اخلاقیت، مهارتی همچون آشنایی نیست که بتوان با دستورعملی مشخص به نتیجه دست یافت، بلکه بایست دانش‌آموزان را از فرایند اخلاقیت آگاه کرد و به مسیری اخلاقیت‌زا هدایت کرد. به همین دلیل، الگوسازی در این زمینه نقش مؤثری ایفا می‌کند.

قاسمی و اقلیدسی (1383) در تحقیقی به تأثیر درس پرورش اخلاقیت در کودکان (یکی از دروس رشته کودک‌یاری در هنرستان‌ها) بر افزایش اخلاقیت هنرجویان همان رشته پرداخت. نتایج آزمون، افزایش نمرات اخلاقیت دانش‌آموزان رشته کودک‌یاری را نسبت به سایر

1. Mesenbernik.

رشته‌های هنرستانی نشان داد. نتایج پژوهش پیرخانفی (1388) نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های فراشناختی تفکر خلاق وجود دارد. تحلیل نتایج وی نشان داد که چنانچه خلاقیت با یک برنامه منظم و از پیش طراحی شده مورد آموزش قرار گیرد، تأثیر مثبتی در مؤلفه‌های فراشناختی دارد. همچنین وی نتیجه گرفت آموزش خلاقیت قادر است سطح عملکرد ذهن و شخصیت افراد را برای کارکردی بهتر و بالاتر ارتقاء دهد.

شریفی و داوری (1388) تأثیر سه روش پرورش خلاقیت (بارش فکری - ارتباط اجباری و سینکتیکس) در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه‌های دوم راهنمایی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها تفاوت معنادار نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون گروه آزمایش را با گروه گواه نشان داد. گنجی، شریفی و میرهاشمی (1388) به بررسی اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر و پسر پرداختند. پس از سه ماه برگزاری جلسات بارش مغزی در گروه آزمایش، نتایج بیانگر آن بود که روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت گروه‌های آزمایشی دختر و پسر مؤثر است. همچنین طبق نتایج این تحقیق، برای آموزش خلاقیت به کودکان، تغییر کلی در روش کار معلم از مهم‌ترین کارها است.

ذکریایی، سیف نراقی، شریعتمداری و نادری (1387) اثر اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان پایه چهارم ابتدایی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد هنر، ابزاری است که می‌توان از آن برای رشد استعدادهای مختلف از جمله خلاقیت بهره گرفت. قصه‌گویی در رشد و پرورش تخیل کودکان، رشد بهتر و سالم‌تر دانش‌آموزان به لحاظ روانی، عاطفی، اجتماعی، شناختی و رشد استعداد خلاقیت تأثیر گذار است.

عامری (1380) تأثیر بازی‌های پرورشی را در میزان رشد خلاقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی مورد بررسی قرار داد. وی مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، ابتکار و تخیل) را در بین دانش‌آموزان گروه آزمایش و کنترل مقایسه کرد. نتایج نشانگر آن بود که فعالیت‌های مهارتی تربیت بدنی به ویژه بازی‌های پرورشی منجر به توسعه خلاقیت و مؤلفه‌های آن شده است. به

عبارتی دانش‌آموزانی که تحت پوشش بازی‌های پرورشی بودند نسبت به سایر دانش‌آموزان از رشد خلاقیت بیشتری برخوردار بودند. مظفر، حسینی، باقری و عظمتی (1386) نقش فضاهای باز محله را در رشد و خلاقیت کودکان مؤثر دانستند. نتایج تحقیق جاوید کلاته (1379) نشان داد جو عاطفی خانواده‌های آزادمنش خلاقیت کودکان را افزایش می‌بخشند. تحقیق امیری و اسعدی (1389) نشان داد خلاقیت کودکان از روند تحولی پیروی می‌کند و با افزایش سن، خلاقیت افزایش می‌یابد اما در سن 10 سالگی روند کاهشی دارد.

ماتیولپمن¹ (1988؛ به نقل از جهانی، 1385) برنامه آموزشی فلسفه به کودکان را طراحی کرد و هدف اصلی لیپمن در این برنامه پرورش قدرت خلاقیت و توسعه مهارت‌ها و توانایی‌های کاوشگری در کودکان و نوجوانان بود. این برنامه آموزشی در بردارنده مجموعه‌ای از داستان‌های دارای مضامین فلسفی بود. فلیس² (2002) تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر توانایی‌های خلاق و خودپنداره دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار داد. نتایج بیانگر این بود که برنامه آموزش خلاقیت تأثیر اندکی بر خودپنداره دارد، اما اثر بسیاری بر توانایی‌های خلاق دارد. چوینگک چین³ (2010) تحقیقی با موضوع آموزش خلاقیت بر کودکان مهد کودکی مبتنی بر مشاهدات معلمان در سه جامعه چین (هنگ کنگ، شانگهای و تایوان) انجام داد. نتایج عمده علمی تأثیر مثبت آموزش خلاقیت در رابطه با یادگیری خلاقیت را نشان داد. امتیاز معلمان با تجربه و کارآموده به طور معناداری در آموزش خلاقیت، بالاتر از معلمان بود که یا اواسط کارشان و یا مبتدی بودند.

مورات تکین⁴ (2010) تحقیقی پیرامون بررسی تأثیر ورزش و بازی بر خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی انجام داد. نتایج نشانگر آن بود که دانش‌آموزان دختر و پسر که ورزش می‌کردند نسبت به دانش‌آموزانی که ورزش نمی‌کردند از خلاقیت بالاتری برخوردار

1. Lipman
2. Fleith
3. Chin
4. Tekin

بودند. کارووسکی¹ و مارس (2008) معتقدند که خلاقیت افراد در علایق، سرگرمی‌ها و تفریحات آنها رشد می‌کند. نتایج نشان داد افرادی که در نشست‌های تفریحی شرکت داشتند نسبت به افرادی که شرکت نداشتند تفاوت معناداری را در دو شاخص از سه شاخص خلاقیت یعنی سیالی و ابتکار نشان دادند.

فاطمی (2011) تأثیر آموزش به کمک کامپیوتر و آموزش به روش سنتی بر خلاقیت دانش‌آموزان در کلاس‌های یکسان را مورد مطالعه قرار داد. نتایج نشان داد که افزایش در شاخص‌های بسط و اصالت در دانش‌آموزانی که به صورت سنتی آموزش دیده بودند به طور معناداری بیشتر بود. افشار کهن و عصاره (1390) در پژوهشی یافتند که آموزش خلاقیت به معلمان باعث افزایش خلاقیت دانش‌آموزان کلاس اول دبستان می‌شود. یعقوبی، محقق، عرفانی و مرتضوی (1390) در پژوهشی با مقایسه سه روش یورش فکری، اسکمپر و سینکتیکس دریافتند که روش یورش فکری بر خلاقیت دانش‌آموزان سال اول دبیرستان تأثیر معناداری دارد.

جمع‌بندی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که آموزش خلاقیت چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم به خود افراد (کسانی که امور آموزشی را بر عهده دارند) باعث افزایش خلاقیت می‌گردد. بنابراین با توجه به پیشینه نظری موجود که بر آموزش خلاقیت و نقش آن در ارتقای ذهن تأکید دارند، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی است. لذا این پژوهش در پی بررسی فرضیه‌های زیر است:

- 1- آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت کودکان پیش دبستانی تأثیر دارد.
- 2- تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت کودکان دختر و پسر پیش دبستانی متفاوت است.

1. Kawowski

روش پژوهش

از آنجا که هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر میزان خلاقیت کودکان پیش دبستانی است، طرح پژوهش حاضر شبه آزمایشی و از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل است. پژوهش‌های شبه آزمایشی پژوهش‌هایی هستند که پژوهشگر مداخله و متغیر مستقل را دستکاری می‌کند و نتیجه مداخله و دستکاری خود را بر روی متغیر وابسته مورد سنجش قرار می‌دهد. در این طرح ارتباط بین متغیر مستقل و متغیر وابسته، پیش و پس از ارائه متغیر مستقل بررسی می‌شود (کازی¹، 2009، ترجمه نفیسی و گنجی، 1389).

جامعه مورد مطالعه 9526 نفر کودک پیش دبستانی دختر و پسر شهر قم بودند که در مراکز آموزشی پیش از دبستان، آموزش می‌دیدند. از این تعداد 60 نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیدند. آزمودنی‌ها به طور تصادفی در دو گروه آزمایشی و کنترل جایگزین شدند. کودکان دو گروه براساس شاخص‌های "نمره آمادگی تحصیلی ورود به دبستان"، "تحصیلات مادر"، "طبقه اقتصادی- اجتماعی" با یکدیگر همتا بودند.

برای ارزیابی سطح تفکر خلاق کودکان از آزمون تفکر خلاق تورنس فرم "الف" و "ب" تصویری استفاده شد. گرچه آزمون تورنس تا حدی متأثر از مدل ساختار گیلفورد است، اما این آزمون اساساً بر پایه یک بافت آموزشی و پرورشی بوده است و بیشتر بر بازی و سرگرمی تکیه دارد. این آزمون از دوره کودکی تا سطح دانشگاه قابل اجرا است. آزمون خلاقیت تورنس شامل دو بخش تصویری و کلامی است. آزمون تصویری این آزمون دارای فرم "الف" و "ب" و 3 تکلیف مجزا است. اجرای هر تکلیف 10 دقیقه طول می‌کشد که در مجموع 30 دقیقه وقت را به خود اختصاص می‌دهد. این فرم‌ها شامل چهار فعالیت به شرح ذیل می‌باشد: 1- ساختن یک تصویر با استفاده از شکل، 2- تکمیل تصاویر ناقص، 3- ساختن تصویر با استفاده از دایره‌ها در فرم "ب"، 4- ساختن تصویر با استفاده از خطوط موازی در فرم "الف".

1. Cozby

Archive of SID

"پژوهش‌های تورنس (1974) ضریب پایایی 0/75 تا 0/87 را بین نوبت‌های متعدد اجرا نشان می‌دهد. ضریب پایایی این آزمون برای هریک از مؤلفه‌های خلاقیت از طریق ضریب همبستگی پیرسون مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج ذیل برای هر یک از عوامل چهارگانه به دست آمد: ضریب پایایی بسط 0/652، سیالی 0/868، ابتکار 0/972، انعطاف پذیری 0/920، که این ارقام در سطح 0/01 معنادار است" (ذکریایی و همکاران، 1387). "بررسی پایایی این آزمون توسط پیرخانفی (1373) بر روی نمونه‌ای از دانش‌آموزان ضریب پایایی 0/80 را برای کل آزمون نشان داد. آزمون تفکر خلاق تورنس از قدرت تمیز بالائی برای ارزیابی مؤلفه‌های فراشناختی خلاقیت شامل سیالی، انعطاف‌پذیری، ابتکار ذهنی، برخوردار است. بنابراین آزمون‌های تورنس به ویژه فرم «ب» تصویری، آزمونی مرجع در حوزه خلاقیت محسوب می‌شود" (تورنس، 1974، به نقل از پیرخانفی، 1372).

متغیر مستقل به صورت یک کارگاه آموزشی 24 ساعته به مدت 6 جلسه، هفته‌ای یک بار و هر جلسه 4 ساعت ویژه مادران با هدف آشنایی مادران با روش‌های پرورش خلاقیت کودکان، ارائه شد. محتوای دوره به صورت نظری و عملی اجرا گردید. تکالیف نظری شامل: مفهوم و ماهیت خلاقیت، عوامل و موانع خلاقیت، روش‌های ایده‌یابی، بارش فکری، ارتباط اجباری، روش تداعی تصویر، همراهی بی‌ربط (قیاس مستقیم - قیاس شخصی - تعارض فشرده) و ایجاد هیجان مناسب. تکالیف عملی شامل: نقاشی با تصاویر ناقص، قصه ناتمام، پرورش تخیل با استفاده از خمیر بازی، شن بازی، تصویر سازی ذهنی با استفاده از داستان، ساختن کاردستی با وسایل دور ریختنی، اگر چنان شود چه می‌شود؟ و ارتباط اجباری. محتوای جلسه‌های آموزش خلاقیت در جدول 1 آمده است. داده‌ها با روش‌های آمار توصیفی و تحلیل واریانس چند متغیری تجزیه و تحلیل شد.

جدول 1. محتوای جلسه‌های آموزش خلاقیت به مادران

جلسات	موضوع	روش کار
اول	مفهوم و ماهیت خلاقیت	1- ایجاد انگیزه در مادران و آشنایی با یکایک آنها، تدریس مباحث نظری، استراحت. اجرای تمرینات تخیل در کلاس، مشخص کردن تکالیفی که می‌خواهند با کودکان انجام دهند. تکلیف: یک‌سری تمرینات ویژه پرورش تخیل که باید در خانه با کودکان انجام و در جلسه بعد نتیجه را گزارش دهند (پرورش تخیل با استفاده از خمیربازی، گفتن داستان با دیدن یک تصویر، شن‌بازی، گل‌بازی و کشیدن نقاشی با استفاده از تخیل).
دوم	عوامل، موانع خلاقیت و نقش خانواده در خلاقیت	بازدید از کارهایی که با کودکان انجام داده بودند، تدریس مباحث نظری، استراحت، بحث و گفتگو پیرامون روش‌های تربیتی والدین جهت پرورش خلاقیت یا عوامل کشنده خلاقیت. تکلیف: روش‌های برخورد والدین با کودکان در منزل و ارائه گزارش در جلسه بعد (ساختن خانه یا هر وسیله دلخواه کودک با استفاده از لگو و آجرهای پلاستیکی و درست کردن هر وسیله‌ای با استفاده از اشیاء دور ریختنی).
سوم	روش‌های ایده‌یابی، بارش فکری و ارتباط اجباری	بازدید کارها، تدریس مباحث نظری، تمرین عملی بارش فکری در کلاس. تکلیف: اجرای برنامه بارش فکری (ویژه کودکان از جمله پیدا کردن اسم برای نقاشی و اشیاء، روش‌های مختلفی که می‌توان برای ساختن یک شکل به کار برد و غیره. استراحت - تمرین عملی - در کلاس و تعیین تکلیف بازی ارتباط اجباری با اشیاء ملموس برای کودکان با استفاده از نقاشی (استفاده از ابزاری غیر از وسائل معمول نقاشی).
چهارم	روش تداعی تصویری	بازدید کارها، تدریس مباحث نظری، تمرین عملی در کلاس و استراحت. تکلیف: اجرای تمرین‌های تداعی تصویر با کودکان و آوردن نقاشی‌های تداعی تصویر آنها در کلاس در جلسه بعد. موضوعی با توافق کودک و مادر طرح می‌شد که کودک می‌بایست با استفاده از تصورات خود، تصاویر متعددی از آن رسم می‌کرد.
پنجم	روش ایده‌یابی (همراهی بی‌ربط قیاس مستقیم، قیاس شخصی و	بازدید کارها، تدریس مباحث نظری و تمرین عملی در کلاس و استراحت بین کار. تکلیف: اجرایی تمرین‌های مشخص شده ویژه کودکان در منزل و ارائه نتیجه در کلاس، در این روش داستانی برای کودکان خوانده می‌شد که باید خودشان را جای شخصیت داستان می‌گذاشتند، داستان را ادامه می‌دادند، همچنین شباهت آن را با

تعارض فشرده) چیزهای دیگر بگویند، سپس در آخر کلمات متضاد را به صورت معنادار بیان کنند، سعی کنند تعداد زیادتری بگویند مثلاً نادان دانا.

بازدید کارها، آشنایی با متعادل سازی هیجان و اجرای عملی روش تن آرامی در کلاس به صورت گروهی.

ششم ایجاد هیجان مناسب تکلیف: اجرای تن آرامی در منزل با کودکان همچنین بازی های (آب بازی - گچ بازی - لی لی، شن بازی، گل بازی و بازی های از این قبیل) که باید به مدت یک ماه و نیم در فضاهای باز با کودکان انجام می دادند.

در ابتدا از تمرین ها و تکالیف معمول پرورش خلاقیت استفاده گردید. این تمرین ها و تکالیف ابتدا به مادران در کلاس آموزش داده می شد سپس آنها به صورت تمرینی در کلاس انجام می دادند. در ادامه تکالیفی ویژه کودکان به آنها ارائه می شد که باید به مدت یک هفته آن تمرین ها را در منزل، با کودکان شان انجام می دادند. در جلسه بعد مادران کارهای کودکان را به کلاس می آوردند و توسط پژوهشگر بررسی می شد و بعد از اتمام دوره 6 جلسه ای، همان تمرین ها به اضافه یک سری تمرین های دیگر به مادران آموزش داده شد که باید به مدت یک ماه و نیم، هر روز در منزل و فضاهای باز با کودکان خود انجام می دادند. بعد از دو ماه، مادران گزارش عملکردشان را ارائه می دادند. در این مرحله سعی شد فعالیت ها براساس علاقه کودکان انجام شود (همه کودکان مکلف به انجام همه فعالیت ها نبودند).

یافته های پژوهش:

جدول 2. میانگین و انحراف استاندارد نمرات تراز شده مؤلفه های خلاقیت به تفکیک گروه

آزمایش (n=30)		کنترل (n=30)		گروه ها	متغیرها
SD	M	SD	M		
7/9	36/57	9/3	36/25	پیش آزمون	بسط
7/9	42/67	9/03	37/38	پس آزمون	
7/5	39/97	8/9	39/67	پیش آزمون	اصالت
7/4	45/73	8/3	39/95	پس آزمون	

8/2	39/27	7	36/03	پیش آزمون	انعطاف پذیری
8/02	40/6	6/5	36/92	پس آزمون	
8/09	40/97	7/7	36/98	پیش آزمون	سیالی
7/6	46/17	7	37/30	پس آزمون	
7/4	39/63	7/8	35/73	پیش آزمون	خلاقیت کل
7/4	44/57	7/8	36/9	پس آزمون	

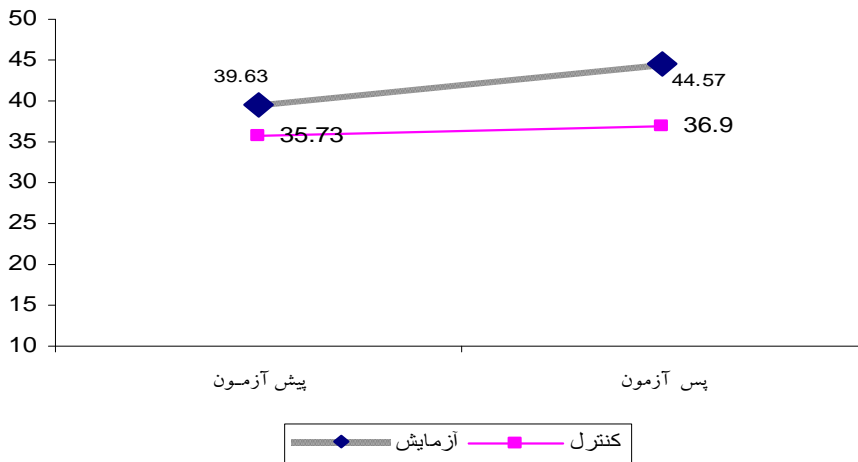
اطلاعات جدول 2 نشان می‌دهد اگر چه نمرات پیش‌آزمون "خلاقیت" و مؤلفه‌های آن در کودکان هر دو گروه تقریباً یکسان است، اما نمرات کودکان گروه آزمایش در پس‌آزمون‌ها (به جز مؤلفه انعطاف‌پذیری) نسبت به پیش‌آزمون افزایش داشته است. در حالی که در گروه کنترل چنین افزایشی مشاهده نمی‌شود. مقایسه انحراف استانداردها نیز بیانگر آن است که اگرچه پراکندگی نمرات در گروه‌های آزمایش و کنترل تقریباً یکسان است، اما نمرات گروه آزمایش در مؤلفه "بسط" دارای بالاترین پراکندگی می‌باشد.

جدول 3. میانگین و انحراف استاندارد تفاوت پیش و پس‌آزمون در مؤلفه‌های خلاقیت بر اساس جنس و گروه

آزمایش (n=30)		کنترل (n=30)		جنس	متغیرها
SD	M	SD	M		
1/7	5/8	2/07	1/47	پسر	بسط
2	6/4	2/4	0/8	دختر	
2/3	5/8	2/8	0	پسر	اصالت
1/7	5/7	2/6	0/57	دختر	
2/5	1/6	1/7	1/17	پسر	انعطاف‌پذیری
0/96	1/07	2/2	0/6	دختر	
2/5	4/8	3/4	-0/33	پسر	سیالی

1/7	5/6	2/5	0/97	دختر	
1/5	5/47	1/6	1/8	پسر	
1/4	4/4	1/6	0/53	دختر	خلاقیت کل

چنان که در جدول 3 ملاحظه می‌شود، اگرچه تفاوت بین نمرات پیش‌آزمون از پس‌آزمون‌ها در گروه "آزمایش" بیشتر از گروه "کنترل" است، اما به نظر می‌رسد تفاوت نمره‌ها در دانش‌آموزان دختر و پسر تقریباً به یک اندازه می‌باشد.



شکل 1. نمودار خطی نمرات تراز شده خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

مفروضه اصلی تحلیل واریانس چند متغیری، همگنی ماتریس کوواریانس است که با استفاده از آزمون ام باکس مورد بررسی قرار گرفت ($df1=15$, $F=1/08$, $\text{Box's } M=17/9$)، که نتایج حاکی از برقرار بودن این مفروضه است. ($P=0/4$, $df2=13544/5$)

شاخص اثر پیلایی نشان داد که می‌توان فرضیه مشابه بودن میانگین‌های جامعه را بر اساس متغیرهای وابسته برای گروه‌ها در سطح $0/01$ رد کرد ($0/816$, $P=0/01$, $F=47/9$, $V=0/816$). $(h^2 =$ به طوری که شاخص ای‌تای تفکیکی نیز حاکی از آن بود که حدود $81/6$ درصد

واریانس متغیرهای پژوهش (خلاقیت، و مؤلفه های آن) توسط گروه های آزمایش و کنترل تبیین می شود.

در مرحله بعدی برای مشخص شدن اینکه تفاوتها مربوط به کدام یک از متغیرها است، از آزمون تک متغیری به شیوه بنفرونی استفاده گردید. در این شیوه برای کنترل خطای نوع اول سطح معناداری آزمون فرضیه ها برابر با 0/01 در نظر گرفته شد ($0/05 \div 5 = 0/01$). همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان داد که مفروضه همگنی واریانس در همه متغیرها به جز متغیر "سیالی" برقرار بود.

جدول 4. تحلیل واریانس تک متغیری

منبع تغییر	متغیر	SS	df	MS	F	P	η^2
گروه	بسط	370/02	1	370/02	87/9	0/01	0/602
	اصالت	451	1	451	82/7	0/01	0/588
	انعطاف	3/04	1	3/04	0/83	0/4	0/014
	سیالی	357/7	1	357/7	52/3	0/01	0/474
	خلاقیت	212/8	1	212/8	83/4	0/01	0/590
خطا	بسط	244/2	58	4/2			
	اصالت	316/2	58	5/5			
	انعطاف	213/5	58	3/7			
	سیالی	396/5	58	6/8			
	خلاقیت	148/03	58	2/6			
کل	بسط	1399	60				
	اصالت	1316/3	60				
	انعطاف	290/3	60				
	سیالی	1210/8	60				
	خلاقیت	919	60				

چنان که نتایج تحلیل‌های تک‌متغیری نشان می‌دهد، در متغیرهای "بسط"، "اصالت"، "سیالی" و "خلاقیت" تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد، به طوری که جدول 3 نیز نشان داد تفاوت نمرات دانش‌آموزان گروه آزمایش در این متغیرها بالاتر از دانش‌آموزان گروه کنترل می‌باشد، این در حالی است که از نظر "انعطاف پذیری" تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد. بالاترین مقدار واریانس تبیین شده توسط انتساب به گروه‌ها مربوط به مؤلفه "بسط" بود (0/602).

برای بررسی فرضیه دوم (تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن در کودکان دختر و پسر پیش دبستانی) مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول 4 منعکس شده است:

جدول 5. تحلیل واریانس چند متغیری

اثرات	اثر پیلایی	F	df1	df2	P	η^2
جنسیت* گروه	0/034	0/371	1	58	0/9	0/034

چنان که در جدول بالا ملاحظه می‌شود، اثر تعاملی گروه - جنس در سطح 0/05 معنادار نیست ($h^2 = 0/034$, $P = 0/9$, $F = 0/37$, $V = 0/034$). بنابراین شواهد کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن در کودکان دختر و پسر پیش دبستانی یکسان است.

بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش نشان داد که آموزش خلاقیت به مادران در افزایش خلاقیت کودکان پیش دبستانی مؤثر است و از طرفی نیز این تأثیر بر هر دو جنس پسر و دختر یکسان می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با نتایج به دست آمده از پژوهش‌های پارادو (2002)، اسمیت (1998) و حسینی (1386) مطابقت دارد. از این جهت که آموزش خلاقیت را به صورت غیرمستقیم و از

طریق برگروه آزمایش انجام دادند. با این تفاوت که آنها آموزش را به معلمان ارائه دادند و تأثیر آن را بر خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دادند. اما در پژوهش حاضر آموزش به مادران و تأثیر آن بر خلاقیت کودکان پیش‌دستانی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشانگر این است که آموزش خلاقیت حتی به صورت غیرمستقیم، مؤثر است. کسانی که به نوعی با کودکان در تماس هستند و در امر آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان دخیل هستند، می‌توانند در امر خلاقیت آنها تأثیرگذار باشند. از طریق آموزش می‌توان اطلاعات و دانش آنها (اولیا و مریان) را در زمینه خلاقیت افزایش داد تا در افزایش خلاقیت کودکان تأثیرگذار باشند.

در زمینه آموزش مستقیم خلاقیت، پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است و از این جهت که کارهای صورت گرفته، آموزشی و در راستای خلاقیت بوده، لذا با این پژوهش همخوانی دارند. از جمله فلیپس و رنزولی (2002) تأثیر برنامه آموزش خلاقیت بر توانایی‌های خلاق دانش‌آموزان، جهانی (1385) تأثیر آموزش خلاقیت بر روحیه پژوهش دانش‌آموزان و پیرخائفی (1388) تأثیر خلاقیت بر مؤلفه‌های فراشناختی تفکر خلاق دانشجویان را مورد بررسی قرار دادند؛ در همه این پژوهش‌ها نتایج به‌دست آمده نشان داد که آموزش خلاقیت منجر به افزایش خلاقیت در افراد می‌شود و چنانچه آموزش خلاقیت با یک برنامه منظم و منسجم ارائه شود تأثیرات مثبتی بر خلاقیت و مؤلفه‌های آن خواهد داشت.

نتایج این پژوهش را می‌توان با نتایج تحقیقات مورات تکین (2010)، کاووسکی و مارس (2008) و ذکریایی و همکاران، (87-1386)، گنجی و همکاران (1388)، شریفی و داوودی (1388) و عامری (1380) هم‌خوان دانست. زیرا در همه تحقیقات از روش‌های بازی، بارش فکری، ارتباط اجباری، تداعی تصویر، پرورش قدرت تخیل، برای آموزش خلاقیت بر روی گروه‌های سنی متفاوت از جمله گروه کودکان پیش‌دستانی استفاده شده است. در این پژوهش از روش‌های به‌کار برده شده در پژوهش‌های ذکر شده برای آموزش استفاده شده، با این تفاوت که در پژوهش‌های مذکور آموزش‌ها یا بر روی کودکان، مریان و یا معلمان انجام

گرفته، اما در این پژوهش به مادران آموزش داده شد و آنها نقش واسطه آموزشی را بین پژوهشگر و کودکان ایفا می‌کردند. نتایج این پژوهش هم مانند پژوهش‌های قبل تأثیر آموزش خلاقیت بر افزایش خلاقیت را تأیید کرد.

براساس نتایج این مطالعه می‌توانیم با آموزش، مؤلفه‌های بسط، سیالی و اصالت خلاقیت را پرورش دهیم. روشن است که این آموزش باید از خانه و از سال‌های اول زندگی آغاز شود. پژوهش‌های تورنس (1968) نشان داده است که سریع‌ترین رشد در مؤلفه بسط در دوران کودکی تا کلاس چهارم ابتدایی اتفاق می‌افتد و پس از کلاس ششم ابتدایی تقریباً ثابت می‌ماند (به نقل از امیری و اسعدی، 1386).

در این پژوهش بالاترین مقدار واریانس تبیین شده مربوط به مؤلفه "بسط" است (0/602) و همچنین تفاوت نمره دو گروه، کنترل و آزمایش در این مؤلفه معنادار است، و این امر به معنای اثربخشی آموزش خلاقیت به مادران است. در متغیرهای "بسط"، "اصالت"، "سیالی" و "خلاقیت" تفاوت معناداری بین گروه‌ها وجود دارد، به طوری که تفاوت نمرات گروه آزمایش در این متغیرها بالاتر از نمرات گروه کنترل می‌باشد و این در حالی است که از نظر "انعطاف پذیری" تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نمی‌شود این مسئله نشانگر آن است که آموزش خلاقیت به مادران، تأثیری بر مؤلفه انعطاف‌پذیری نداشته است.

در تبیین نتایج به دست آمده می‌توان به کودکان یاد داد که با نگاهی تازه و بدیع به دنیای پیرامون خود بنگرند و از اندیشه‌های یک طرفه و کلیشه‌ای بپرهیزند و در حل مسائل، خود را به یک راه حل محدود نکنند بلکه راه‌های متفاوتی را آزمایش و دقت خود را نسبت به جزئیات، بیشتر کنند. همچنین می‌توان به کودکان آموخت که چگونه از اشیاء مستعمل و دور ریختنی اطراف خود به‌طور مفید و سازنده استفاده و در جهت ساخت اشیاء جدید اقدام نمایند.

طبق نتایج به دست آمده می‌توان به مادران روش‌هایی را آموخت که در برنامه‌ریزی تربیتی خود در جهت تقویت نیروهای ذهنی کودکان تلاش کنند و علاوه بر تفکر همگرا به پرورش تفکر واگر (خلاقیت) بپردازند، فضا و امکانات فعالانه و پویاتری را در منزل فراهم آورند و از

ایجاد شرایط منفعلانه پرهیز کنند. زیرا اگر کودکان روش درست اندیشیدن را در خانه و سال‌های اولیه بیاموزند، این روش برایشان درونی خواهد شد، نه این‌که این امر فقط به سال‌های مدرسه و توسط مربیان و معلمان محدود شود. چون مادران مدت زمان بیشتری را با فرزندان خود سپری می‌کنند و بر این اساس شرایط مناسب بسیاری برای ایشان فراهم خواهد شد که می‌توانند برانگیزاننده خلاقیت باشند که شاید هرگز در مدرسه و شرایط آموزشی فراهم نیاید.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز روبرو بوده که تعمیم‌پذیری یافته‌های آن را با احتیاط امکان‌پذیر می‌کند، از جمله: نمونه‌گیری به روش هدفمند، نظام تربیتی مادران تا قبل از زمان آموزش بر اساس روش‌های منفعلانه (دیدن سی دی و بازی‌های کامپیوتری) بود. تغییر این روش، به طریق فعال و پویا که فعالیت بیشتری را می‌طلبد کار را هم برای کودکان و هم مادران سخت کرده بود و گزارشات مادران خبر از مقاومت و سرپیچی کودکان می‌داد. اقتدار مادران در راهنمایی و هدایت فکری کودکان ضعیف بود، روش‌های جدید تربیتی برای مادران درونی نشده بود و جا انداختن روش‌های خلاق‌پرور بسیار مشکل بود. آزمون خلاقیت تصویری تورنس برای تعدادی از کودکان به خصوص پسرها جذابیت نداشت و فعالیت‌های عملی را بر رسم تصاویر ترجیح می‌دادند.

با این حال پژوهش حاضر به عنوان یکی از نخستین تلاش‌ها در این زمینه دارای محتوای کاربردی است. روش‌های بارش فکری، ارتباط اجباری، همراهی بی‌ربط، تداعی تصویر متناسب با سن کودکان، بازی در فضای باز و ساختن کاردستی با استفاده از اشیاء دور ریختنی، روش‌های مناسبی برای تحریک مؤلفه‌های خلاقیت کودکان می‌باشد. پژوهشگران می‌توانند اثر بخشی آموزش خلاقیت را در گروه‌های سنی بالاتر به ویژه دوران ابتدایی مورد بررسی دهند. پژوهش بر روی کودکان پیش دبستانی با درگیر ساختن مربیان در کنار مادران می‌تواند تأثیر بیشتری داشته باشد، زیرا کودکان تأثیرپذیری و حرف شنوی بیشتری نسبت مربیان در مقایسه با مادران دارند. آموزش در مهد کودک و مراکز آموزشی نسبت به خانه و به صورت انفرادی با کودک بهتر است، زیرا کودکان در گروه، پیشرفت بیشتری دارند.

منابع

- اسبورن، آلكس اف. (1382). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه حسن قاسم زاده. تهران: نیلوفر.
- آمابلی، ت. (1992). شکوفایی خلاقیت. ترجمه: حسن قاسم زاده و پروین عظیمی (1386). تهران: دنیای نو.
- اسعدی، س. و امیری، ش. (1386). روند تحولی خلاقیت در کودکان. تازه‌های علوم شناختی، سال 9(4)، 26-32.
- افشارکهن، ز. و عصاره، ع. (1390). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت به معلمان بر خلاقیت دانش‌آموزان دوره پایه ابتدایی استان خراسان در سال تحصیلی 88-89. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول (2)، 29-55.
- الیسون، ش. و گری، جی. (1999). بازی‌های خلاق (365 بازی برای کودکان 2 سال به بالا). ترجمه: لیلی انگجی (1390). تهران: انتشارات رشد.
- انجمن روان‌شناسی آمریکا. (2007). فرهنگ توصیفی انجمن روان‌شناسی آمریکا. (ترجمه گروه مترجمان 1391). تهران: نشر ارس.
- پیر خائفی، ع.، برجعلی، ا.، دلاور، ع. و اسکندری، ح. (1388). تأثیر آموزش خلاقیت بر مؤلفه‌های فراشناختی تفکر خلاق دانشجویان. رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد گرمسار، سال 3(2)، 51-61.
- جهانی، ج. (1385). بررسی تحلیلی و مقایسه‌ای تأثیر رویکردهای مختلف آموزش خلاقیت بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان و نوجوانان. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 25، 4(پیاپی 49)، 47-61.
- حسینی، ا. (1388). ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن. مشهد: نشر استان قدس رضوی.
- حسینی، ا. (1385). الگوی رشد خلاقیت و کارایی آن در ایجاد مهارت تدریس. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال 5(15)، 178-200.

- حسینی، ا. (1386). بررسی تأثیر برنامه آموزش اخلاقیت معلمان بر اخلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ششم (32)، 148-167.
- حسینی، ا. (1387). یادگیری اخلاق کلاس خلاق. تهران: انتشارات مدرسه.
- حیدری، غ. (1386). رابطه جو عاطفی خانواده با انگیزه پیشرفت در دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی یزد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد ساوه. چاپ نشده.
- ذکریایی، م.، سیف نراقی، م.، شریعتمداری، ع. و نادری، ع. (1387). بررسی اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش (خلاق) بر اخلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی منطقه 5 شهر تهران. پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد بجنورد، سال 4(16)، 19-52.
- زمانی، ا.، گلی، ف. و نصیری، ح. (1389). پرورش اخلاقیت در کودکان. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- سید عامری، م. ح. (1383). بررسی و مقایسه میزان توسعه شاخص‌های اخلاقیت دانش آموزان دختران و پسر گروه سنی 8 سال با مقیاس تورنس با تأکید بر فعالیت‌های حرکتی. فصلنامه حرکت، 21، 109-122.
- سید عامری، م. ح. (1380). بررسی تأثیر بازیهای پرورشی در میزان رشد اخلاقیت دانش آموزان دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی. فصلنامه المپیک، سال 9، 1 و 2 (پیاپی 19)، 74-84.
- سیلور، آ. (2001). نقاشی انگیزشی. ترجمه داود، عرب قهستانی و فرزانه ودایع خبری، (1391). تهران: انتشارات رشد.
- سینگر، دی. جی.، و سینگر، جی. ال. (2001). پرورش اخلاقیت. ترجمه حمید علیزاده و علیرضا روحی. (1387). تهران: انتشارات رشد.
- شریعتمداری، ع. (1382). نقد و اخلاقیت در تفکر. چاپ دوم. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- شریفی، ح. پ. (1383). رابطه اخلاقیت و ویژگی‌های شخصیتی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال سوم (7)، 12-31.
- شهر آرای، م.، سیدان، ا. و فرزاد، و. (1381). تحلیل اخلاقیت در کودکان: معرفی آزمون تفکر خلاق در عمل و حرکت. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال 32(2)، 191-213.

عابدی، ج. (1372). خلاقیت و شیوه‌ای نو در اندازه‌گیری آن. مجله پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره دوم، (3)، 46-56.

قاسمی، ف و اقلیدس، ط. ا. (1384). بررسی تأثیر آموزش (درس پرورش خلاقیت در کودکان) بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان دختر سال سوم کودکیاری هنرستان‌های شیراز. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهارم (13)، 58-84.

گنجی، ح. (1379). روانشناسی عمومی. تهران: نشر روان.

گنجی، ح، شریفی، پ. و میرهاشمی، م. (1383). اثر روش بارش مغزی در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان. فصلنامه تعلیم و تربیت، سال سوم (81)، 89-112.

مظفر، ف، حسینی، س. ب. و عظیمی، ح. (1386). نقش فضاهای باز محله در رشد و خلاقیت کودکان. باغ نظر، سال چهارم (8)، 59-72.

میرلوحی، ف. س، مولوی، ح. و آتش‌پور، س. ح. (1386). رابطه جو عاطفی خانواده و خلاقیت دانش‌آموزان کلاس چهارم پنجم شهر اصفهان. مجله دانش و پژوهش در روانشناسی-دانشگاه آزاد خوراسگان، 82، 31-69.

کازبی، پ. ک. (2009). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه: غلامرضا نفیسی و کامران گنجی (1389). تهران: جیحون.

یزدچی، ص. (1379). بررسی و تبیین سهم عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان ادره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، شورای تحقیقات، وزارت آموزش و پرورش.

یعقوبی، ا، محقق، ح، عرفانی، ن، و مرتضوی، س. ع. (1390). مقایسه اثربخشی فنون مختلف آموزش تفکر خلاق بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه اول دوره متوسطه. فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، سال اول (2)، 133-150.

Alberktsen, G. (2003). happiness and related factors in pregnant women. deparment of psychiatare. faculty of mediene, chulalongkorn university. Bangkok Thailand.

Chin, Chu-ying, H. & Anna, N. N. (2010). Creativity in early childhood education: Teachers perceptions in three Chinese societies. Thinking skill and Creativity, 5, 49-60.

- Fatemi, M., Hamidi, F. & Rahimi, M. (2011). The comparative effect of computer – aided instruction and traditional teaching on student’s creativity in math classes. *Procedia Computer Science*, 3, 266-270.
- Fleith, D. & Renzulli, J. (2002). Effects of a creativity training program. *Creativity Research Journal*, 14, 373-588.
- Karwowski, M., Soszynski, M. (2008). How to develop creative imagination? Assumptions, aims and effectiveness of role play training in creativity (RPTC). *Thinking Skills and Creativity*, 3, 163-171.
- Parado, SH. (2002). Effects of a teacher training workshop on creativity. *Cognitive School Achievement. high ability studies*, 2 .
- Payne Young, L. (2009). Imagine Creating Rubrics That Develop Creativity: Teaching students to be creative requires that teachers evaluate creativity effectively. *English Journal* (32), 99-112.
- Smith , G. J. W. & Carlson, I. (1985). Creativity in early and middle school years. *International Journal of Behavioral Development*, 8, 329- 343.
- Tekin, M. & Gullu, M. (2010). Examined of creativity level of primary school student who make sports and do not make sports. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 3351-3357.
- Torrance, E. P. (1992.) .Torrance test of creation thinking streamlined scoring guide (figural A and B). Scholastic testing. U.S.A .
- Torrance, E. P- Goff, Kathy. (1990). Fostering Academic creativity in gifted students. ERIC Identifier: ED321489.